

حرکت بر مدار سینمای صنعتی



آخرین نوشته با محوریت جشنواره فیلم فجر را در این ستون می‌خوانید تا پرونده آن بسته شود. پس از تغییرات سیاسی ایجاد شده در نیمه دوم دهه ۷۰، بالطبع عرصه فرهنگی و از جمله حوزه سینما نیز دستخوش تغییر و تحولات جدی شد. گرچه در سه سال اول به دلیل برخی رویکردهای تازه مانند سبک جوانانه (تین ایجری) و خصوصا تابوشکنی‌های صورت گرفته، جمعیتی قابل توجه وارد سالن‌ها شدند اما از آنجا که گرایش غالب این اتفاق بر مدار هیجان شکل گرفته بود، چیزی نباید که فرار تماشاگران سال به سال روند صعودی گرفت تا آنجا که مخاطبان ۷۰ میلیونی به زیر ۲۰ میلیون در سال ریزش کرد. سینماگران در این دوره نه تنها نتوانستند از موقعیت پیش آمده به نفع نزدیکی آثار به جنس سینما گام بردارند که برعکس با پیشه کردن ساخت و پرداخت فیلم‌هایی در راستای ژورنالیسم زرد و سیاسی‌کارانه رسانه‌های حزبی و جناحی، عملا سینما را از جنس اصلی‌اش دور و میدل به آوردگاهی ضدتماشاگر کردند.

سینمای ایران طی ۲۵ سال گذشته از نوع فیلم‌های داستانتگوی قهرمان‌پرداز و سرگرم‌کننده فکور دهه ۴۰ دور و با نوعی از فیلم‌های اجتماعی خرده‌پیرنگ و فلاکت‌نما، با دربرگیری لایه‌های متوسط به بالای متعلق به از مابه‌تران تولید و به اکران رسیدند. به عبارت روشن، سینما در این بازه زمانی همه جوره از بطن جامعه و متن توده‌های انبوه دور شد. درحالی‌که ایران با تولید سالانه نزدیک ۱۰۰ فیلم بلند و داشتن بیش از ۳۰ میلیون تماشاگر بالقوه داخلی و بازارهای مصرف چند کشور همسایه فاقد سینما... چنانچه در مسیر پرداخت فیلم برای مردم و تماشاگران‌نبوه، در یک کلام «فیلم‌های از جنس سینما»ی غالب جهان و غیرجشنواره‌ای، گام برمی‌داشت، بی‌تردید حالا دارای صنعت سینما بودیم. اما جشنواره فیلم فجر که گذشت به عنوان نقطه عطف سال تازه سینمایی نشان داد که سیاست‌گذاری‌های مدیریت جدید در زمینه‌های مختلف به بار نشسته است. البته که در این مقطع می‌توان به تحقیق کمی و تکاپوی جدی برای تغییرات به نفع «حرکت بر مداری از جنس سینما» صحه گذاشت و به تائیدش پرداخت.

همه بیست و چهار فیلم حاضر در جشنواره (به‌رغم ضعف‌های دراماتیک) با هم تفاوت آشکار داشتند. حالا که کمی از جشنواره فاصله گرفتیم و به مقایسه آن با دوره‌های پیشین می‌پردازیم متوجه می‌شویم که چقدر آثار متنوعی داشتیم. بی‌اغراق اگر جشنواره اوده به فشارهای غیرسینمایی نمی‌شد، کسی پیدا نمی‌شد که لذت خود را کتمان کند؛ لذتی از جنس سینما. از تمام چهارگوشه کشور اثری بود که آن اقلیم را نمایانگر کند. وقتی این تنوع ارزشمند تلفی می‌شود که قریب به اکثریت آثار با نگاهی جدی به جذب تماشاگر انبوه ساخته شده بودند. به جز دو مورد، دیگر از فیلم‌های خرده‌پیرنگ فلاکت‌نمای ضدتماشاگر خبری نبود. همه فیلم‌ها از استانداردهای سینمای مردم‌پسند تبعیت می‌کردند. حتی چند فیلم جمع و جور ساخته شده در بخش خصوصی هم برخلاف دو دهه گذشته، به جای توجه به مؤلفه‌های شبه روشنفکرانه صرفاً مورد و توفق جشنواره‌های بیرونی، با ویژگی‌هایی از جنس سینما، در درجه اول به تماشاگر داخلی دل بسته بودند، مثلاً فیلم «هفت بهار نارنج» که با مضمون عشق، خانواده، موسیقی و در گونه ملودرام و قاب‌های جذاب طبیعت مخاطب‌گسترده راه‌دف‌گیری کرده بود یا فیلمی مانند «چرا گریه نمی‌کنی» و... و بالاخره این‌که فیلمسازان متوجه شده‌اند که در دوره جدید باید آثارشان به جنس سینما نزدیک شود. سینما دیگر از کارکرد حزبی فاصله گرفته و مانند همه کشورهای دارای سینما، اولویت در ساخت فیلم، مخاطب داخلی و سپس بازارهای جهانی است، راه و روشی که در صورت تداوم جدی، سینمای ایران را وارد چرخه صنعتی خواهد کرد.

فیلم سینمایی «خط استوا» این هفته به ترکیب فیلم‌های کم‌دی روی پرده اضافه می‌شود.

این فیلم کم‌دی به کارگردانی اصغر نعیمی از چهارشنبه ۳ اسفند در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود.

سی‌امین جلسه شورای صنفی نمایش در روز یکشنبه ۳۰ بهمن در خانه سینما تشکیل شد و بعد از بررسی درخواست‌ها و موارد مطرح شده، قرارداد سرگروهی فیلم کم‌دی «خط استوا»

ماجرای زیدان روی پرده سینماهای ایران

نگاهی به کارنامه بنیاد سینمایی فارابی در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر

فارابی، قبولی با ارفاق



سیدمستفانی منتقدسازو کارشناس سینما

احتمالا به یاد دارید که در دوران مدرسه وقتی با نمره ۱۰ به یا ۱۲ امتحان درسی را می‌گذرانیدیم، اصطلاحاً آن را شیوه ناپلئونی یا نمره ناپلئونی می‌گفتند اما گاهی هم بیست و پنج صدم یا نیم نمره یا هفتاد و پنج صدم کمتر از آن نمره ناپلئونی در درس مربوط می‌آوردیم، آنگاه بود که اگر معلم و دبیر، مهربانی و ملاطفت می‌کردند، آن کمبود نمره قبولی را ارفاق کرده و اجازه می‌دادند که لااقل آن نمره ناپلئونی را به دست بیاوریم. به نظرم این همان موقعیتی است که امسال و در جشنواره چهل و یکم فیلم فجر، بنیاد سینمایی فارابی دچار شد! ۹ فیلم پذیرفته شده و یک فیلم نیمه‌کاره که در فهرست ذخیره‌ها قرار گرفت. از میان آن ۹ فیلم حداقل چهار فیلم اساسا دارای مشکلات مختلف ساختاری و محتوایی بود یا املا در اولویت‌های این بنیاد که برای تولیدات‌ش از بودجه عمومی و بیت‌المال هزینه کرده و قاعدا تا باید با اولویت‌های فرهنگی کشور مماس باشد، نمی‌توانست قرار بگیرد.

فیلم «بعد از رفتن» که بیش از این با عنوان «بند باز» نامیده می‌شد، به اسم فیلم اجتماعی به هم‌وضوعی ناخنکی زده‌ببود. از مسابقه اتومبیلرانی و قهرمان شکست خورده تا سیرک بازی و واردات جنس قاچاق و رحم اجاره‌ای و تا وجدان ناراحت و پچه بی‌مادر و شکاف در خانواده و...

فیلم بعد از رفتن، می‌توانست حول و جوش همان سیرک که کار اصلی یکی از شخصیت‌ها بود، شکل گرفته و پیش برود اما طرفه آن‌که هم سیرک و بندبازی (که در فیلم رویت نمی‌شد) و هم دیگر موضوعات پراکنده آن، هیچ‌کدام جفت و بست درست درمان و رابطه مشخصی با یکدیگر ندارد و هریک جداگانه می‌توانستند محور قصه قرار گرفته یا به راحتی حذف شده و ضرری به کار وارد نیاید.

شخصیت‌های تکراری و داستانک‌های کلیشه‌ای نیز نه فقط نمی‌توانستند گره‌ای از شخصیت‌پردازی الکن فیلم باز کنند بلکه بر ابهامات ولکن‌ت آنها بیش‌تر می‌افزودند و از همه این ماجراها جز توفیق شخصیت منفی ماجرا که همه را سرکشی کرده و به سلامت گریخته بود و بقیه اتفاقات از جمله باگشت به خانواده پدری هم از صدفه سری آن صورت پذیرفت، هیچ نتیجه دیگری مستفاد نمی‌شود!

«جنگل پرتقال» یا جنگل روابط غیرافلاطونی

فیلم دیگر بنیاد سینمایی فارابی به نام «جنگل پرتقال» یک شبه هامون بود که تلاش داشت با سرگشتگی‌های یک دانش‌آموخته متکبر و ناموفق تئاتر از شهرستان که اینک دبیر ادبیات در تهران شده، سرکله بزند. فیلمی که سعی داشت باکشاندن اجباری او به دیار پدری در شمال (به‌بهانه دریافت اصل مدرک تحصیلی) مایه‌های این سرگشتگی‌ها را نشان دهد اما متأسفانه همچنان که شروع و انگیزه شکل‌گیری گره ماجرا، خیلی سردستی، بی‌منطق و شل و ول بود، ادامه جست‌وجوی شخصیت اصلی فیلم در میان خاطراتش نیز بدون توجیهات دراماتیک و با کمک داستانک‌های بی‌خاصیت و بی‌ربط صورت می‌گرفت.

او به دنبال تجدید دوستی با دختری بود که در تمام دوران دانشجویی گرچه مسخره‌اش می‌کرد اما رابطه‌ای طولانی داشت و مدام آن را مرور می‌کرد. در این مسیر، پس از سرخوردگی از آن تجدید رابطه، با دانشجویان امروز تئاتر دانشکده سابق خود آشنا شود

به نویسندگی محمدرضا آریانی، کارگردانی اصغر نعیمی و تهیه‌کنندگی احسان ظلی‌پور با پخش «خانه فیلم» به سرگروهی پردیس هنر شهر آفتاب شیراز ثبت شد و اکران این فیلم از چهارشنبه ۳ اسفند در سینماهای سراسر کشور آغاز خواهد شد.

فیلم خط استوا روایتگر ماجراهای رئیس و نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال در خارج از کشور است که برای حضور در



«روایت ناتمام سیما»؛ حکایت ستایش شبکه‌های مجازی

فیلم «روایت ناتمام سیما» که پیش از این با عناوین «دشمن مردم» و «روایت ناتمام» هم شناخته می‌شد، سراغ شبکه‌ها و دنیای مجازی و تأثیر آن در زندگی مردم رفته بود که معمولاً در آثار سینمایی جهان، با نگاه مثبتی به آن پرداخته نشده و همواره با ویژگی‌های مسخ انسانیت و هویت‌ها به تصویر کشیده شده‌است. از آثاری مانند «ماتریکس»، «طبقه سیزدهم» و «او» گرفته تا «جانشین‌ها»، «دایره» و...

اما فیلم روایت ناتمام سیما، کارکرد فوق‌رابرعکس جلوه داد و استفاده از شبکه‌ها و دنیای مجازی را باعث افشای عمل ناجوانمردانه شخصیت اصلی ماجرا در حق زنی مظلوم و بی‌سر و صدا نمایاند! او که در کارهای خلاف و نمایش‌های اینترنتی با ظاهری متین و انسانی و با قیافه‌ای حق به جانب، به‌راحتی زندگی دیگران را به بازی گرفت و قسر در رفت اما گیر فضای مجازی افتاد که در این فیلم به کمک و یاری مظلومان آمده و آن روی چهره فرد ظالم را برملا می‌ساخت.

اگر چنین فیلم بافیلم‌هایی با بودجه بخش خصوصی ساخته می‌شدند، واقعا اشکال و حرفی در بین نبود اما وقتی پول و سرمایه مردم و پای بنیاد سینمای فارابی به میان می‌آید، آن وقت قضیه متفاوت می‌شود. هزینه‌ا از کیسه بیت‌المال برای نمایش چهره مثبت از پدیده‌ای که سال‌هاست جالش عجیب و غریبی در سراسر جهان و از جمله کشور ما به وجود آورده و به خصوص التهابات ماه‌های اخیر عمدتا براساس دیناهای همین شبکه‌های مجازی، خسارات فراوان جانی و مالی به کشور تحمیل کرد، حقیقتا سؤال برانگیز است! انتظار از مراکزی مانند بنیاد سینمایی فارابی‌که سرمایه‌های ملت، امانتی در دست آنها بوده، این است که اگر در جهت روشنگری و جهاد تبیین قدمی بر نمی‌دارند، لااقل بر رخم‌های جهالت و نأ‌آگاهی و بی‌سوادی نمک نیاشند و حرمت مردم و انقلاب را نگاه دارند.

«سینما متروپل» تحریف دفاع مقدس و سینما

اما فاجعه‌بارتر از همه اینها فیلم «سینما متروپل» بود که باز هم اگر نام بنیاد فارابی و پول بی‌زیان ملت و هزینه‌های بیت‌المال پشت آن قرار نداشت و در بخش خصوصی تولید می‌شد، شاید خطاها و تحریف‌ها و روایت نادرستش را می‌شد نادیده گرفت. فیلمی با روایتی ضد دفاع مقدس که هم به سینما، جنگ و دفاع مقدس و هم به حصر آبادان، نگاهی کاریکاتوری و خام و سردستی داشت.

رویداد نمایش «شب داخلی دیوار» در ژنو



فیلم سینمایی «شب داخلی دیوار» به کارگردانی وحید جلیلود در جدیدترین حضور بین‌المللی خود در جشنواره حقوق بشر ژنو به نمایش گذاشته خواهد شد. بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم حقوق بشر ژنو از تاریخ ۱۰ تا ۱۹ مارس (۱۹ تا ۲۸ اسفند) در کشور سوئیس برگزار می‌شود و فیلم سینمایی شب داخلی دیوار (Beyond The Wall) در بخش مسابقه فیلم‌های داستانی این رویداد روی پرده خواهد رفت. شب داخلی دیوار نخستین نمایش جهانی خود را در هفتاد و نهمین دوره جشنواره و نیز در بخش مسابقه تجربه کرد و در ادامه نیز به چندین جشنواره از جمله تورنتو کانادا، هامبورگ در آلمان، جشنواره بوسان کره جنوبی و جشنواره بین‌المللی چنای در کشور هند حضور داشته و نوبد محمدزاده برای نقش آفرینی در این فیلم برنده جایزه بهترین بازیگر مرد از جشنواره فیلم اوراسیا در کشور قزاقستان شد و به تازگی به جشنواره فیلم بلگراد نیز دعوت شده است. این فیلم روایتگر زندگی زنیانیی به نام علی است که با ورود باهننگام زنی متواری، آشفته می‌شود. امیراقایی، علیرضا کمالی، سعید داخ، از جمله بازیگران این فیلم هستند.

اجلاس سالانه ای اف سی باید راهی مالزی شوند اما در اقدامی خبرساز راهی جزیره بالی می‌شوند تا با زیدان به صورت مخفیانه قراردادی امضا کنند و از پس این موضوع برای شان اتفاقاتی رخ می‌دهد.

خط استوا در سال ۱۳۹۸ تولید شده و در این فیلم فرهاد اصلانی، سیامک انصاری، آزاده صمدی و ... به ایفای نقش پرداخته‌اند.



فیلمی که همچون تولید دیگر بنیاد فارابی به نام «گل‌های باورده» درباره حصر آبادان و سینما بود ولی هیچ نشانی از موقعیت حصر آبادان وزی شعر و شعار و گفتار نداشت. همچنین عشق سینمای کاراکترهایش هم کاملا نجسب و باسماهی از کار درآمده بود و به هیچ وجه به باور نمی‌نشتست که چنین شخصیت‌هایی عاشق سینما باشند.

ضمن این‌که مشکل تاریخی فیلم هم قوز بالا قوز بود با این پرسش مهم که در آن شرایط حصر و دیگری و نبرد تا اتم و تکاپوی مستمر زمندگان، کدام سینما در این شهر دایر بوده؟ کدام گروه دختران در آن شرایط به نقاشی‌های دیواری مشغول بودند؟ چنانچه در هیچ تاریخ‌کشی و شفاهی چنین موضوعی ثبت نشده و هیچ‌کس از جمله نگارنده که در همان دوران در آن منطقه حضور داشتم، چنین رویدادی را رویت نکردم.

سینماهای آبادان از زمان شروع جنگ در این شهر تعطیل شد و برعکس مثلا مسجد سلیمان که دو سه سالن سینمایش در همان سال‌ها کار می‌کرد، اما در آبادان تا مدتی پس از پایان جنگ نیز این سالن‌های سینما تعطیل ماندند.

پاسخ‌های درست با ارفاق

اما بنیاد سینمایی فارابی در مورد تولید فیلم‌هایی همچون گل‌های باورده (ماجرای روزهای حصر آبادان و تلاش برای رساندن ابزار و امکانات مهم و گران قیمت انبار پالایشگاه آبادان به نقاط امن)، شماره ۱۰ (درباره ماجرای واقعی فرار برخی اسرای ایرانی از اردوگاه‌های صدام) وکت چرمی (نگاهی عمیق و دردمندانه به تابسمانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی) تقریبا موفق عمل کرد و در ساخت فیلم دلبستان (با موضوع کودکان سرطانی و امیدهای آنها) و همچنین فیلم هوک (داستان یک نوجوان بلوچ بوسکور که با وجود همه سختی‌ها به سطح قهرمانی و بالاتر از آن، پهلوانی رسید) اگرچه با ساختارهای ضعیف اما با ارفاق، عملکرد قابل قبولی داشت.

اما فیلم دیگری که تا زمان آغاز جشنواره فجر نیمه‌کاره ماند، به نام «پهشت تبیه‌کاران» درباره ترور احمد دقان فراماسونر معروف و از موسسان سازمان ماسونی پرورش افکار، توسط حسن جعفری در خیابان لاله‌زار تهران بوده و رویدادهای قبل از ملی شدن صنعت نفت رابیان کرده‌است.

این درحالی‌است که رویدادهای نهضت ملی شدن صنعت نفت، آنچنان که در حیطه و اولویت‌های بنیاد سینمایی فارابی قرار می‌گیرد، ده‌ها ماجرای ناگفته از جمله نقش اساسی شهید نواب صفوی و فداییان اسلام، آیت... کاشانی، اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و موضعگیری‌هایش در جریان نهضت یادشده و حتی قتل روزنامه‌نگاری همچون احمد مسعود و کریم پور شیرازی و اعدام دکتر حسین فاطمی را دارد و این را که چرادر این میان حسن جعفری و احمد دهقان اهمیت یافته‌اند، فقط با سستی از مسئولان بنیاد فارابی سؤال کرد.

اکران

احیای سینما در روزهای تعطیل

سینماهای کشور طی سه روز تعطیلات اخیر موفق شدند گیشه خود را به مرز شش میلیارد تومان نزدیک کند. بر این اساس طی روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه اخیر سینماها فروش معادل پنج میلیارد و ۹۰۰ میلیون داشت که بهترین



میزان فروش سینماها در ایام تعطیل، طی شش ماهه دوم امسال محسوب می‌شود. در این سه روز، ۱۵۸ هزار و ۲۰۰ مخاطب به سینما رفتند که برای این تعداد مخاطب، ۶۰۲۴ ستانسن تعریف شد. سینماها برای روز پنجشنبه، یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون، برای روز جمعه دو میلیارد و ۶۵۰ میلیون و برای شنبه نیز یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان فروش داشت. کم‌دی بخارست با ۶۰ هزار مخاطب و دو میلیارد و ۲۳۰ میلیون تومان فروش، پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران بود. ملاقات خصوصی با ۳۶ هزار ۶۰۰ مخاطب و گیشه یک میلیارد و ۴۶۰ میلیونی در رتبه دوم و کم‌دی سیاسی چپ، راست نیز با ۲۸ هزار و ۲۰۰ مخاطب و یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان فروش، در رتبه سوم جدول فیلم‌های پرتماشاگر قرار گرفت. همچنین فیلم‌های لوپتو، پالتو شتری، جزیره فضایی، پسر دلفینی، بام بالا و ابلق نیز در رتبه‌های دیگر این جدول قرار گرفت.